

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



سازمان انقلابی افغانستان

۰۶ جون ۲۰۱۳

## دو کیشوت های «مئویست»، بیماران روانی با لاطائلات «مئویستی» (۱۶)

چنانچه گفتیم، در آخرین بخش این نوشته، به چند یاوه گوئی باقیمانده «مئویست ها» و «پولاد» اشاره می کنیم. «مئویست» ها در «نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی افغانستان» می نویسند: «سازمان انقلابی افغانستان نه به اساس اسناد و مدارک صحبت می کند و نه با دید دیالکتیکی. بلکه با قضایا ذهنی گرانه و داستان گونه برخورد می کند. از مبارزه «ضد اشغال»، از «مدال گیری توبه کردن»، «اشغالگر خواندن»، «تحریم انتخابات»، «از اتحاد و جبهه سازی با دشمنان مردم ابراز پشیمانی کردن» در سازمان رهائی به تعریف و توصیف نشسته و کرنش می نماید. اما مانند گنگه های مادرزاد هیچگونه سند و مدرکی از سازمان رهائی که «ضد اشغال بودن» از مدال گیری توبه کردن «اشغالگر خواندن»، «تحریم انتخابات» از اتحاد و جبهه سازی با دشمنان مردم ابراز پشیمانی کردن» آن را ثابت بسازد ارائه نمی کند تا صحت و سقم نظریات خویش را ثابت نماید. این نوع برخورد با قضایا صاف و پاک یا ذهنی گری کاسب کارانه است یا دروغ و جعل کاری بورژوا مابانه.»

«مئویست ها» باید بدانند که شرافت نقد نویسی در انتقال امانت دارانه جملات و کلمات طرف مقابل می باشد. انتقال بریده بریده پاراگراف ها، حذف عمدی کلمات و ارائه تعبیر های دلخواه و دروغ گوئی ها، نه تنها که نقد را به یاوه گوئی تنزل می دهد، بلکه شرافت نقد نویس را زیر سؤال برده و اگر واضح بگوئیم او را تهی از شرافت نشان می دهد. «مئویست ها» عمداً در جاهائی که قید «ظاهراً» به فهمیدن نظرات ما در مورد «رهائی» کمک می کند، آن را حذف کرده تا بدین صورت اسب های دیوانه شان را به جولان بیاورند. در پاراگراف فوق، پس از حذف قید «ظاهراً»، این ها به ما دو اتهام می زنند: «کرنشگر» و «گنگه های مادر زاد».

خوب دیگه، وقتی انسان ملانصرالدین شد، وظیفه اش خنداندن است و «مئویست ها» نشان می دهند که ملا نصرالدین های واقعی هستند و چیزی از «ملانصرالدین» کم ندارند. این ملانصرالدین های «سرخ»، ما را کرنشگر می خوانند، وقتی خود «معرفی کننده انقلابیون به دستگاه های اطلاعاتی دشمن» را رفیق می خوانند. این ملا نصرالدین های «شورشی» ما را گنگه های مادرزاد می خوانند، وقتی خود می گویند که مثل «تماشاچیان گنگ» در رکاب «حزب» می دویند؛ کی می تواند گپ اینها را قبول کند، به جز «پولاد» فراری و بیماران روانی با نام مستعار «کارگران»!!

به ملانصرالدین های «شورشی» باید بگوئیم که اگر ما در برابر «سازمان رهائی» کرنش می کردیم، باید هو به هو مثل شما که در برابر «حزب» افتادید، می نوشتیم: «حال که «رهائی» می گوید که دیگر اینجو ندارد، به درگاه امپریالیزم نمی رود، از دالر و پاداش های «جامعه جهانی» و «خوكدانی» دل کنده است، ما هم گپ آنها را قبول می کنیم، چون این مسئله از لحاظ سیاسی دیگر اهمیت ندارد!! ولی می بینید که ما چنین نوشته ایم؛ زیرا این شیوه کار ما نیست، این شیوه کار ملانصرالدین های «شورشی»، «پولادی» و «کارگری» است.

اما این که ما در زمینه اظهارات خود در مورد «رهائی» اسناد داریم یا نه، نگران نباشید. ما اسناد فراوان برای هر چیزی که می گوئیم و می نویسیم، در دست داریم و همه در آرشیف سازمان بر اساس نوشته، عکس، صدا و فلم دسته بندی شده است؛ ولی با صراحت می گوئیم که این اسناد را با شما شریک نمی سازیم، زیرا: اولاً، «عمدتاً مائویست ها» و «پولاد» تان بهتر از ما در مورد این اسناد می فهمند و بعید است که تا هنوز به شما مخابره نکرده باشند. ثانیاً، شما رفقای دارید که آنها را «جاسوس» می خوانید، پس رفیق جاسوس، جاسوس است و بعید است که به حیث جاسوسان کارکشته، از این مجراها بی خبر باشید. ما به خوبی می فهمیم که با «مائویست های» شوخی روبه رو هستیم که گاهگاهی خود را به تجاهل عارفانه، نه ببخشید به تجاهل جاهلانه نیز می زنند!!

حال که بحث از جاسوسی آمد، خوبست دروغ و اتهام «شورشی» ها و «پولاد» فراری را نیز بررسی کنیم. «شورشی» ها می نویسند: «...رهبران سازمان انقلابی جاسوسی، لمپنی و فحاشی را آرایش سیاسی کرده و آن را در لافافه مترقی و انقلابی انجام می دهند و در عقب آن فیگور انقلابی به خود می گیرند.» و «پولاد» فراری که اصابت تیرهای اصولی سازمان بر شقیقه هایش او را عصبانی ساخته، ما را چنین متهم به جاسوسی می کند: «اینها... گروه اوباش و فحاشی را تشکیل دادند تا به سطح کوچه و بازار علیه ما فحاشی کند و جاسوسی نماید... صرف نظر از دیگر موارد؛ همین فحاشی ها، اتهام زنی ها، توطئه گری ها و جاسوسی ها علامت بارز اپورتونیزم و دلیل ضعف و دستپاچگی «سازمان انقلابی» است.»

قبل از بررسی اتهامات دو عدد فوق، به دو بیماری ساری در «چپ» می پردازیم: کلی گوئی خنده دار و حق دادن به خود و حق گرفتن از دیگران. عده ای در «چپ»، با این دو مرض آغشته شده اند. اینها، هیچ گاه سیستماتیک و با جزئیات به بررسی موضوعات نمی پردازند، فقط خاک باد راه می اندازند و از این گوشه و آن گوشه نقل قول می پرانند و بدون شک در آخر هم بر سکوی فتح فیگور می گیرند. بیماری دوم عبارت است از به خود حق دادن و حق دیگران را سلب کردن است. عده ای در «چپ» به خود حق می دهند که دیگران را فحش و دشنام بدهند و ده ها اتهام به مخالفان سیاسی خود وصله کنند، ولی اگر اینجا و آنجا کسی، یکی از آنان را ارباب خواند، تو گوئی که به انقلابی ترین شخص دوران توهین شده و شخصیت این سوپر انقلابی آب شده و باید این عقده را به شکلی از اشکال فرو بنشانند.

«شورشی ها» و «پولاد» ضمن این که به بیماری روانی مبتلا هستند از این بیماری مزمن نیز رنج می برند. آنها ترجیح می دهند، به جای بررسی دیالکتیکی پدیده ها به کلی گوئی مشمنز کننده پرداخته نام آن را «نقد تنوریک - سیاسی و علمی» بگذارند. ایشان به خود حق می دهند دیگران را توهین و تحقیر کنند، اما وقتی دیگران ایشان را به جا و درست «لوده های سیاسی» و «ملانصرالدین» می خوانند، هیاهو راه می اندازند و آن را «لومپنانه» می خوانند.

بطور نمونه ما از آقای «پولاد» می خواهیم تا کلی گوئی و پر گوئی و روده درازی نکرده، صاف و ساده بگوید که سازمان انقلابی افغانستان به ایشان چه اتهامی زده که باعث عصبانیت این جنابعالی شده است. وقتی ما شما را «فراری» خوانده ایم، کجای این اتهام است، مگر شما فرار نکرده اید؟ وقتی ما شما را دروغگو خوانده ایم، نمونه های آن را برایتان ذکر نکرده ایم؟ وقتی شما را یاهو گو و هرزه گو خوانده ایم، مثال های آن را برای تان قطار نکرده ایم؟ وقتی شما را توطئه گر خوانده ایم، نمونه های فراوان آنرا برایتان نشانی نکرده ایم؟ و...

«پولاد» و «شورشی ها»! اگر اپورتونیست و دروغگو نیستید، وقتی ما را متهم به توطئه گری، اتهام زنی و جاسوسی می کنید، چرا نمونه های آن را ارائه نمی کنید و فقط به مخلوق ذهنی تان به نام «تشکیل گروه اوباش و فحاش بوسیله سازمان انقلابی» پناه می برید. وقتی ما شما را اتهام زن می خوانیم، نمونه های آن را برای تان ارائه کرده ایم، یکی از این اتهامات تان همین «تشکیل گروه اوباش و فحاش» به وسیله ماست. شما خوب می دانید که ما در مبارزه سیاسی خود نه به تشکیل گروه اوباش و فحاش ضرورت داریم و نه هم به کدام باند و کمک گرفتن از آن، وقتی خود ما با نام «سازمان انقلابی افغانستان» از حقانیت خود به گفته لنین با زبان آتشین در پرتو تئوری های انقلابی دفاع کرده می توانیم. ما نه از کسی در رد یاوه گوئی های تان کمک خواسته ایم و نه هم به کسی کمک کرده ایم. ما مسؤولیت نوشته های خود را می گیریم و با صراحت اعلان می کنیم که هر آن چیزی که در مورد تان گفته ایم، از آن عقب نمی نشینیم، الی این که خط بینی کشیده از چرند گوئی و اتهامات تان از تمام جنبش انقلابی افغانستان معذرت بخواهید.

وقتی به ما اتهام می زنید که گویا ما جاسوسی می کنیم، هیچ مثالی ارائه نمی کنید و زور زده، این که ما جانی گفته ایم شما در هالند حضور دارید آن را جاسوسی می خوانید. بلی، ما نوشته ایم که جناب عالی های «مائویست» در هالند زندگی می کنند و این را بر اساس گزارش های خودتان در وب سایت های «پیام آزادی»، «شورش» و «سوم عقرب» نوشته ایم. مگر شما وقتی در تازه ترین گزارش تان «گزارش مصور از اول ماه مه در هالند» می نویسید که «مائویست های افغانستان به نمایندگی از جنبش کمونیستی افغانستان بطور عام و کمونیست های افغانستان در هالند بطور خاص در این ائتلاف نماینده فرستاده ... از جنبش کمونیستی کشور نمایندگی کردند»، آیا نشاندهنده حضور شما در هالند نیست؟ وقتی خودتان همه چیز را از هالند گزارش می دهید، جاسوسی نیست، ولی وقتی دیگران بر بنیاد همین گزارش های تان به حضور تان در هالند اشاره کردند، بر آنان اتهام جاسوسی می زنید؛ آیا این جز دروغگوئی، اتهام زنی و لودگی چیزی دیگری را نشان می دهد؟ اما این که شما («مائویست ها»، «عمدتاً مائویست ها» و «پولاد») در نوشته های تان به طور آشکار جاسوسی کرده اید، ما در قسمتی از این نوشته به آن قسماً تماس گرفته ایم که ناگزیر هستید روزی به این جاسوسی تان، جواب بدهید!

شما به ما اتهام می زنید که «در اخیر سال ۲۰۰۱ حامی و مربی بزرگ شما، دولت سوسیال امپریالیزم چین شما را از «قرارگاه» سابق شما به المان برد و در کنفرانس «بن» با جانی ترین، خاین ترین و خونخوارترین دشمنان مردم افغانستان دور یک میز نشاند...» اگر ثابت ساختید که یکتن از رفقای ما (از رفقای سازمان انقلابی افغانستان) چین را دیده باشد، با دولت امپریالیستی چین در ارتباط بوده باشد، بعد هم به المان رفته و در کنفرانس «بن» شرکت کرده باشد و با جانی ترین، خاین ترین و خونخوارترین دشمنان مردم افغانستان دور یک میز نشسته باشد، ما حاضر هستیم تمام حرف های خود را در مورد شما پس بگیریم و از خود انتقاد کرده خود را به شما بسپاریم تا در مورد ما تصمیم بگیرید، و اگر ثابت نساختید، اعتراف کنید که انسان های بدتر از آن هستید که در مورد تان گفته می شود، درست است؟؟

شما به ما اتهام می زنید که «شکی نیست که شما در داخل کشور هنوز هم با همان سند مصونیتی که «سازمان رهائی» در کنفرانس «بن» دریافت کرده است، فعالیت می کنید.» بسیار خوب! اگر اتهام زن نیستید و دروغ نمی گوئید و توطئه گری نمی کنید، یک خواهش ساده داریم: لطف کنید، برای چند هفته به افغانستان بیایید و راست و چپ بدوید و «سند مصونیت» ما را پیدا کنید، اگر توانستید، ما قول می دهیم که همه گپ های خود را در رابطه با شما نادرست اعلام می کنیم و اگر نتوانستید، اجازه بدهید که شما را چنانچه در شروع گفتیم با اردنگ انقلابی به همان باتلاق حواله کنیم که شایسته آن هستید، درست است؟

شما اتهام می بندید که ما «حزب قانونی» تشکیل داده ایم. خواهش می کنیم که تحقیق تان را همین امروز آغاز کنید و تمام کانال های جاسوسی تان را به کار انداخته، تا شش ماه وقت دارید که حزب قانونی «سازمان انقلابی افغانستان» را

با اسم، شماره ثبت و رهبر حزب به همه اعلان کنید، در صورتی که موفق نشدید، اجازه بدهید که شما را حداقل توطئه گران بی آزر بخوانیم، درست است؟؟

شما اتهام می بندید که «در پناه ارتش های اشغالگر و دولت مزدور فعالیت علنی داشتید و دارید. از همه امکانات رسانه ای به شمول تلویزیون های مختلف «بخش خصوصی» استفاده می کردید. میتنگ ها برگزار می نمودید...» اگر ثابت ساختید که سازمان ما «در پناه ارتش های اشغالگر و دولت مزدور» به فعالیت علنی دست زده باشد، می پذیریم که با منتقدان با وجدان روبه رو هستیم، و اگر تطبیق اصل بلشویکی (مبارزه مخفی و استفاده از شرایط علنی) سازمان انقلابی افغانستان را «مصونیت قضائی» می خوانید در این حالت اجازه بدهید که شما را «مائویست های» هرزه و چشم سفید و نادان بخوانیم، درست است؟؟

ما اصل بلشویکی پیوند مبارزه مخفی با فعالیت قانونی را جداً در نظر داریم، اما نه «در پناه ارتش های اشغالگر و دولت مزدور» بلکه عکس آن به ضد استعمارگران و دولت پوشالی و سایر نوکران امپریالیست ها و دولت های ارتجاعی منطقه و به این منظور از تربیون های گونه گون که به اصول بلشویکی ما لطمه نزنند، استفاده می کنیم.

لنین می گوید: «وظیفه مبرم ماست که از هر دو مسأله دفاع کنیم و این تلفیق کار علنی و غیر علنی است که خصوصاً از ما می خواهد که با هر گونه «کم بها دادن به نقش و اهمیت» حزب غیر علنی مبارزه کنیم. دفاع از موضع حزب در باره مسائل کم اهمیت تر، با معیارهای متعادل تر، در موارد خاص و در چارچوب قانونی، دقیقاً یک ضرورت است که به خصوص از ما می خواهد تا نسبت به آن دقت نظر داشته باشیم تا سر و ته اهداف و شعار ها زده نشود، تا شکل تغییر یافته مبارزه، محتوای آنها را از بین نبرده و از خصلت مبارزه جویانه آنها نکاهد، و نیز دورنمای تاریخی و اهداف تاریخی پرولتاریا را تحریف ننماید...» (به سوی وحدت) ما دقیقاً این رهنمود لنین را در تلفیق کار علنی و غیر علنی در نظر داریم و با وجود پیوند دیالکتیکی میان این دو، مرز میان آنها را مخدوش نمی سازیم.

ما باور داریم که «سازمان های قانونی تکیه گاه هائی هستند که امکان می دهند ایده های هسته های غیرقانونی به درون توده ها نفوذ کنند.» (حزب غیر قانونی و فعالیت قانونی، لنین). ولی با ایجاد حزب قانونی و علنی نه تنها که مخالف هستیم بلکه آن را ضد انقلابی و غیر کمونیستی می خوانیم.

شما اتهام می بندید که ما «علیه اصطلاح مائویزم حملات خصمانه» می نمایم. با این اتهام به خوبی نشان می دهید که توطئه گری جزوی از سرشت تان است. با وجودی که به حیث یک سازمان تا هنوز به کاربرد اصطلاح مائویزم نرسیده ایم و برای همین خود را معتقد به مارکسیزم - لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون می دانیم، ولی این باور، ابدأ به ما اجازه نمی دهد که علیه مائویست هائی که همین اکنون در کشورهای مختلف و به خصوص در هند، در کنار توده های تهیدست علیه نظام های استثمارگرانه می رزمند، به حملات خصمانه دست بزنیم؛ عکس آن، ما از مبارزه این مائویست های شجاع و دلیر با قاطعیت پشتیبانی می کنیم. وقتی ما، مائویزم را در ناخنک می گیریم، منظور ما «مائویزم فراری» است که از کنار توده ها فرار کرده و با ده ها مرض آلوده شده و با وجودی که چهره اش فرتوت و زرد شده، نقاب سرخ بر رخ کشیده که دریدن آن را وظیفه خود می دانیم. اگر ما ضد مائویست ها می بودیم، در «به پیش» شماره چهارم گونزالو را که خود را مائویست می خواند، ابدأ یک انقلابی اسیر در قفس امپریالیسم، سازمانده خوب و رفیق انقلابی نمی خواندیم. - می بینید که دروغگو و بی حیاء هستید!

قبل از این که به یاوه گوئی های دیگر «مائویست ها» برویم، صادقانه می گوئیم که وقتی اینها را «مائویست های ملانصرالدینی» می خوانیم، این از سر عقده و کینه نیست، بلکه بر مبنای آن فکاهی های خنده داری است که اینها در اسناد گذشته و در سند اخیر شان (نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی، بخش چهارم) بیرون داده اند. به طور

نمونه چند تا از این فکاهی ها را بدون تبصره، اینجا نقل می کنیم، تا خوانندگان بفهمند که حکم ما در مورد اینها نه دروغ است و نه هم توطئه و نه هم اتهام.

فکاهی اول: «هر گاه مائویست ها (م - ل - م) دون کیشوت باشند، چه ضرورتی به نقد شما دارند. شما که نه ادیب هستید و نه در داستان نویسی و نقد آن مهارت دارید. چه رسد به آنکه آن را از دیدگاه ادبی - مارکسیستی - لنینیستی» نه مائویستی مورد نقد قرار دهید.»

فکاهی دوم: «اگر منسوبین جنبش انقلابی افغانستان بیماران روانی هستند، سازمان انقلابی این ادعای خویش را به اساس کدام تحقیقات و سند و اسناد صحی ارائه می نمایند {می نماید} و این تحقیقات صحی و روانی خویش را در کدام شفاخانه یا بیمارستان روانی انجام داده است.»

فکاهی سوم: «از بس که هستری ضد مائویستی حضرات سازمان انقلابی بالا گرفته است به نیشه ها و قلم و کاغذ نیز برخورد لمپانه می کنند و چنین می نویسند: «... به خاطر دو سه انتقاد وارد به ایشان بیش از صد صفحه را بنام های گوناگون سیاه و چتل می سازند. (تأکید از ماست) اگر سازمان انقلابی می نوشت که «به خاطر دو سه انتقاد وارد به ایشان بیش از صد صفحه را بنام های گوناگون سیاه می سازند» عیبی بزرگی نداشت. اما وقتی چتل را در کنار سیاه قرار می دهند، ترکیب مشتمل کننده بوجود می آید زیرا هیچ کس کاغذ را با نوشته چتل نمی سازد، بلکه سیاه می سازد.»

فکاهی چهارم: «برای ما مهم نیست که افراد سازمان انقلابی پوده و مسخره است یا نیست، روده دراز است یا روده کوتاه». به برداشت «مائویست ها» از اصطلاح «روده درازی» خوب توجه کنید، بعد تا می توانید بخندید!

فکاهی پنجم: «بیائید به فقر علمی و بیسوادی سازمان انقلابی نگاه کنیم که می نویسند: «... این را فقط مائویست ها، حزب (حزب کمونیست - مائویست افغانستان) و «پولاد» می توانند بپذیرند نه انسان های با مغز و با شعور» این جمله سازمان انقلابی نه (م - ل - م) است و نه علمی، بلکه یک جمله سوژکتویستی، توخالی، توهینی و تحقیری است... از دید انسان شناسی سازمان انقلابی انسان ها به دو دسته تقسیم می شوند. انسان های با مغز و با شعور و انسان های بی مغز و بی شعور. در حالیکه همه انسان ها با مغز و با شعور هستند.»

فکاهی ششم: «در این جا {در هالند} مشاهده می شد که جنبش مائویستی افغانستان چقدر محبوب قلب محصلین، کارگران، متعلمین و زنان تحت ستم می باشد»

فکاهی هفتم: «جوانان رشید مائویست با بازوان نیرومند شان یورتریت سرخ مائو را در جاده ای که به اطراف آن ساختمان های آسمانخراش سر به آسمان کشیده، به اهتزاز درآورده بودند.» (تکیه از ماست).

فکاهی هشتم: «کارگران سالخورده و با تجربه هوادار مائویست های افغانستان، برای جلوگیری از تحمیل ماجراجویی بر مارش کنندگان اطفال و متعلمین خونگرم را با دقت تحت نظر داشتند.» (تکیه از ماست).

فکاهی نهم: «در روز اول ماه مه، ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر این تظاهرات با اشتراک صدها تن کمونیست از کشورهای دیگر دنیا و هزار ها تن جوان کارگر، محصل و متعلم از فابریکه ها، دانشگاه ها و مکاتب مختلف هالند، آغاز شد.» (به عکس های منتشره این تظاهرات در سایت «شورش» مراجعه کنید تا به عمق این فکاهی پی ببرید).

ادامه دارد.